فصلنامه حقوق اداری
سال هشتم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۲۵

بررسی وضعیت سیاست‌گذاری عمومی و خط‌مشی‌گذاری دولت در دوره‌های آموزشی مهارتی در ایران

ریحانه قوسی[۱]؛ محمد نوریان[۲] ، اسدالله عباسی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

چکیده

یکی از وظایف اصلی دولت‌ها، اعمال سیاست‌گذاری است. دولت‌ها وظایف گوناگونی را مطابق قانون برعهده دارند؛ اما باتوجه به اینکه در بعضی از موارد، ورود پیدا نمی‌کنند یا نباید ورود یابند، بعضی از آن وظایف را با صلاحدیدی به بخش‌های دیگر واگذار می‌کنند. دولت‌ها می‌کوشند با تنظیم قواعد و مقررات و تدوین سیاست‌ها، نقش مدیریتی را به عهده بگیرند. دوره‌های آموزشی مهارتی، کلید توسعه پایدار در هر کشور است و در حال حاضر، اهمیت خاص آن بر کسی پوشیده و پنهان نیست. در کشور ما نیز ارائه‌دهندگان آموزش و متولیان تربیت مهارتی و فنی در سطوح مختلف، بسیار متنوع و گسترده هستند. وجود یک نظام منسجم و پویا در حوزه دوره‌های آموزشی و تربیت مهارتی ـ حرفه‌ای به همراه یک نهاد هماهنگ‌کننده، از الزامات تضمین کیفیت و ارتقای جایگاه آن در کشور است؛ باوجود تاکید بر جایگاه آن، همچنین تشکیل نهاد هماهنگ‌کننده؛ تشکیل یک نظام کارآمد متناسب ضروری به‌نظر می‌رسد.

این پژوهش با هدف بررسی نهادهای سیاست‌گذار و خط‌مشی‌گذار در حوزۀ دوره‌های آموزشی مهارتی، به دنبال توصیف وضعیت کنونی آنها و ارائه اولویت‌بندی از نهادها و دستگاه‌های سیاست‌گذار در این حوزه است. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی، و نحوۀ گردآوری داده‌های توصیفی از نوع پیمایشی است. برای رتبه‌بندی نهادها از تکنیک دلفی و آزمون تی استفاده شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از بین کلیه نهادهای مورد بررسی، هفت نهاد خط‌مشی‌گذار موثر بر دوره‌های آموزشی مهارتی در کشور از دیدگاه خبرگان تعیین گردید.

کلیدواژگان: سیاست‌گذاری، حقوق عمومی، دولت، دوره‌های آموزشی مهارتی، خط‌مشی‌گذاری آموزشی.

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
reyhaneh.ghosi2017@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. (نویسنده مسئول) Mnourian2001@yahoo.com
۳. دانشیار دانشگاه پیام نور.Asdollah.abbassi40@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

مقدمه

با توجه به سیاست‌گذاری که یکی از وظایف اصلی دولت‌هاست، دولت‌ها وظایف گوناگونی را مطابق قانون برعهده دارند؛ اما باتوجه به اینکه در بعضی از موارد، ورود پیدا نمی‌کنند یا نباید ورود پیدا کنند، بعضی از آن وظایف را با صلاحدیدی به بخش‌های دیگر واگذار می‌کنند. دولت‌ها سعی می‌کنند با تنظیم قواعد و مقررات و تدوین سیاست‌ها، نقش مدیریتی را به عهده بگیرند. (قلی‌پور، ۱۳۷۸ :۱۷۲) پس آنها سعی می‌کنند سیاست‌گذاری‌ها را براساس شرایط زمانی و مکانی و موارد دیگر، برای دستیابی به اهداف معین و از پیش تعیین‌شده انجام دهند. سیاست‌گذاری ممکن است در بخش دولتی یا خصوصی و یا گروه‌ها، افراد و سازمان‌های مردم نهاد صورت بگیرد (Geurst ,2011: 115).

مهارت و دوره‌های مهارتی در قرن حاضر از اهمیت خاصی برخوردار شده است؛ زیرا بدون داشتن این گونه مهارت‌ها، رشد اقتصادی و توسعه پایدار مقدور نیست (ثابت‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۸). اصولا هر نظام آموزشی ـ مهارتی یا بنگاه اقتصادی در صورت دارا بودن مشخصات کیفیت، بهره‌وری و انعطاف پذیری می‌تواند به اهدافی که معین و مشخص کرده و برای آن سیاست‌گذاری انجام داده است، برسد؛ در غیر این صورت، محکوم به فنا و نابودی است. محققان بر این باورند که شایسته‌سالاری در سازمان‌های آموزشی در دستگاه‌های اجرایی، به دلیل تنوع مخاطبان و نوع انتقال علم و دانش با آموزش‌های کلاسیک و کلاسی (پداگوژیک)[1]، آموزش‌های ضمن‌خدمت و مهارتی (اندراگوژیک)[2]، آموزش‌های توانمندساز (متاگوژیک)[3] و نیز آموزش‌های خودتوانمندساز (هیوتاگوژیک)[4] که باعث ارتقای سطح کمّی و کیفی آموزش و مهارت‌ها و یا به عبارتی؛ دانش، بینش، نگرش و رفتار حرفه‌ای می‌شود؛ دارای اهمیت ویژه‌ای است که از نتایج ارزشمند آن، به‌کارگماری کارکنان و کارگران حرفه‌ای و یا دانشی در سطح صنایع و عرصه تولید برای بالابردن درجه ارزش افزوده و حرکت به سمت توسعه پایدار، رفع چالش‌های مدیریت خرد و کلان، افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع تجدیدشونده از جمله نفت، کشاورزی و منابع زیستی و غیره خواهد بود. افزون بر اینکه انتخاب‌های مناسب باعث بهبود انگیزش کارکنان و افزایش شایسته‌سالاری شده و از سویی دیگر، پویایی و نشاط سازمان‌های آموزشی، به عنوان پیشتازان

1. Pedagogical
2. Andragogical
3. Metagogue
4. Hiutagogic

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

آموزش مولفه ذی‌مدخل در توسعه کشور، یعنی صنایع پایه و مولد را به همراه خواهد داشت. ضرورت این پژوهش، توصیف وضعیت موجود و حرکت به سمت وضعیت مطلوب در جهت نیل به مفاهیم و مولفه‌هایی برای ارتقاء، تعالی و نیز سیاست‌گذاری در مسیر توسعه، امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است.

کشورهایی همچون ایران، که در مسیر پیشرفت و توسعه قرار دارند، برای اداره توسعه خود نیازمند کارکنان و مدیرانی هستند که با برخورداری از تخصص و تعهد کافی، توانایی پیشبرد این برنامه‌ها را داشته باشند. به طور خاص در ایران، که سند ۱۴۰۴، افق حرکت را ترسیم کرده است و سیاست‌های کلی نظام اداری و سیاست‌های کلان برخاسته از الگوی اسلامی– ایرانی پیشرفت، مسیر دستیابی به این چشم‌انداز را روشن می‌کند؛ تربیت انسان‌های توسعه‌یافته به طور کل و کارگزاران پیشرفت به طور خاص بر اساس ظرفیت‌های بومی و دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد (ذاکری، فقیهی، دانش‌فرد، ۱۳۹۳: ۴۸)؛ از این‌رو، با توجه به سرعت و رشد فناوری و از سویی، وفور و گسترش انواع روش‌های ارتباطی برای مدیریت سازمان‌ها و نیز تشخیص نوع و روش‌های آموزشی، همچنین جاری‌سازی تفکر و زبان آموزش در سازمان‌ها و جامعه، نوعی نگاه و نگرش جدید با عنوان نگرش سیاستمدارانه و نگاه توسعه‌ای؛ ضروری به نظر می‌رسد.

همچنین خط‌مشی‌ها ممکن است در سازمان‌های بخش دولتی یا خصوصی، گروه‌ها و افراد به‌کار روند؛ بنابراین، دولت‌ها سعی دارند با وضع قوانین و مقررات و سیاست‌های مناسب؛ فعالیت‌های آموزشی– مهارتی را به سمت بهره‌وری بالاتر نیروی انسانی سوق دهند. در این مقاله، سعی شد با بررسی مبانی نظری و وضعیت موجود سیاست‌گذاری و نهادهای سیاست‌گذار، دوره‌های آموزشی مهارتی؛ نهادهای سیاست‌گذاری موثر در آن را مشخص، معرفی و اولویت‌بندی نماید.

۱. چیستی سیاست و سیاست‌گذاری

هسته اصلی تحقیق پیرامون مفهوم سیاست و سیاست‌گذاری است؛ ازاین‌رو ضروری است معنا، مفهوم، جایگاه و سطوح سیاست‌گذاری روشن گردد.

۱-۱. تعریف سیاست

پدیده سیاست از زوایای گوناگون مورد توجه قرارگرفته است و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است و دشوار بتوان تعریف قطعی استاندارد و مورد وفاق از سیاست یافت.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

برخی سیاست را «راهنمای عمل» یا توصیه‌هایی برای پیشبرد امور عمومی می‌دانند. (اشتریان، ۱۳۹۰: ۲۴) با این توضیح که مقامات در جهت هدایت مجموعه‌های ذی‌ربط و پرهیز از پراکندگی تصمیمات، توصیه‌های یکنواختی را فراهم می‌آورند که راهنمای عمل بوروکرات‌ها در اتخاذ تصمیمات مناسب هستند.

تعدادی دیگر از اندیشمندان، سیاست را مقوله‌ای دربارۀ قدرت می‌دانند که مربوط به توانایی کارگزاران، نهادهای اجتماعی برای حفظ یا تغییر محیط اجتماعی یا مادی خودشان است و دربارۀ منابعی که پایه این توانایی‌ها را تشکیل می‌دهند به بحث می‌پردازند (Held & leftwich, 1994 به نقل از عالم، ۱۳۸۶: ۲۶).

عده‌ای دیگر، سیاست را صرفاً وسیله‌ای برای تعیین اولویت‌ها در انجام دادن امور و فعالیت‌ها در جامعه می‌دانند؛ به بیان دیگر، همان‌گونه که هدف‌ها، نتایج موردنظر را مشخص می‌کنند و برنامه‌ها، راه رسیدن به آن‌ها را روشن می‌سازند؛ سیاست‌ها نیز اولویت‌ها را معین می‌کنند که نشان‌دهندۀ خطوط کلی در فعالیت‌ها و اقدامات نهادهای عمومی است. (Dror, 1968: 135)

در تعریفی دیگر از سیاست با عنوان سلسله اصول و موازین هماهنگ‌کنندۀ اجزای موجود در نظام‌کشور یادشده است. این اصول ممکن است به‌صراحت در قوانین و مقررات انعکاس‌یافته باشد. (Preston & post,1975 به نقل از الوانی: ۱۳۸۶ :۸۵)؛ به بیان دیگر به این دلیل که سیاست‌ها اموری کلی و فراگیرتر از قوانین هستند، مستقیماً اجرا نمی‌شوند؛ بلکه تجلی عینی و عملی آن را در قوانین می‌بینیم.

برخی، سیاست‌ها را به‌مثابه هنجار ناظر بر هدف یادکرده‌اند. در این تعریف، سیاست؛ معنایی هنجاری دارد؛ اما نه به‌معنای هنجار حقوقی، و این یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تفاوت این مفهوم با مفهوم قانون است. در واقع، سیاست‌ها اگرچه می‌توانند الزام به هدایت به‌سوی نوع خاصی از رفتار را ایجاد کنند؛ اما برای ایجاد الزام حقوقی و تضمین عینی باید از مجرای قانون عبور کنند. سیاست قاعدتاً باید اهداف روشنی را پیش‌بینی نماید. اهدافی که منافع همه جامعه– نه فقط گروهی خاص– را تأمین کند. اهداف مذکور باید به درجه‌ای از تعیّن برسند تا مجریان سیاست، ابزارهای لازم برای تحقق آن را تشخیص دهند. به دیگر سخن، صرف بیان کلیاتی در یک موضوع نباشند. در همین راستا، هدف یک سیاست باید دست‌یافتنی باشد. اگرچه سیاست در بالاترین سطح تجلی‌بخش آرمان‌های یک سیستم است؛ اما خود نباید به ورطه آرمان‌گرایی بیفتد؛ بلکه وقتی به‌عنوان یک هنجار وارد سیستم می‌شود باید به اجرای آرمان‌ها کمک کند و وجه عمل‌گرایانه آن پررنگ‌تر گردد. (رادین‌مهر، ۱۳۹۲: ۷۷) برای مثال در زمان مناقشات میان مجلس نهم و دولت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

یازدهم بر سر ارائه برنامه ششم توسعه، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تصریح کرد که ایران در بهترین وضعیت اقتصادی خود، رشد بیش از ۶ درصد را تجربه نکرده است. (پایگاه خبری تابناک: ۱۳۹۴)؛ در حالی‌که سیاست‌های کلی برنامه ششم، رشد ۸ درصد اقتصادی را پیش‌بینی کرده است. این مورد یک نمونه قابل مطالعه از سیاست‌های آرمانی دست‌نیافتنی است که از حیطه تعریف‌شده سیاست خارج می‌شود.

به‌علاوه در تکمله باید گفت که الگوی رفتاری پیشنهادشده باید به‌وسیله مراجع ذی‌صلاح و در حدود صلاحیت آن‌ها به‌نحوی تدوین گردد که ترتیبات مشخص‌شده در حقوق موضوعه هر کشور دچار اغتشاش نشود و نهاد سیاست‌گذار به بهانه تعیین سیاست به حیطه صلاحیت سایر قوا و نهادهای حکومت تعدی نکند؛ همچنین تعاریف مختلفی از سیاست‌گذاری مطرح است. پیرمولر، آن را دولت در عمل تعریف می‌کند (مولر، ۱۳۷۸: ۱۸). دای معتقد است سیاست‌گذاری به معنی هر آنچه دولت‌ها تصمیم به انجام دادن یا ندادن آن می‌گیرند، است (به نقل از وحید، ۱۳۸۶ : ۱۳)؛ بنابراین، مجموعه اقدامات هدفمند که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود، سیاست‌گذاری نامیده می‌شود (اشتریان، ۱۳۸۱: ۹۴).

۲- ۱. ویژگی‌های سیاست

در مرحله بعدی، باید پاسخگوی این سؤال بود که آنچه سیاست را از سایر مفاهیم مشابه مانند قانون و حقوق متمایز می‌سازد، کدام عناصر و مؤلفه‌هاست؟

مالفورد کویکر سیبلی (۱۹۷۰: ۵۳)، [1] سه یاست و ویژگی‌های آن را این‌گونه بیان می‌کند: «برای نشان دادن تلاش و کوشش سنجیده انسان در جهت هدایت، کنترل، به نظم درآوردن کارهای جمعی، طرح‌ریزی برای جامعه، و ارزیابی و اجرای این طرح‌ها»؛ همچنین سموئل جانسون[2]، در سال ۱۷۷۵، سیاست را ابزاری برای جهش‌های این‌جهانی می‌داند و هنری آدامز[3]، تاریخ‌نگار قرن نوزدهم امریکا، آن را «تشکیلات سیستماتیک تنفرها» تعریف می‌کند.

ورنون فون‌دایک (۱۹۶۰: ۶۹)[4]، در کتاب خود با نام علم سیاست: یک تجزیه و تحلیل فلسفی، سیاست و ویژگی‌هایش را: «تلاش مدعیان در تعقیب خواسته‌های متضاد در موضوعات عمومی» تعریف می‌کند. این تعریف را می‌توان به صورت زیر تفسیر کرد: سیاست، ۱) مجموعه فعالیت‌های

1 . Mulford Q.Sibley
2 . Samuel Johnson
3 .Henry Adams
4 . Vernon Van Dyke

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

درون‌گروهی و میان‌گروهی است. ۲) این فعالیت‌ها بر اساس خواسته‌هایی صورت می‌گیرد که تا حدودی مشابه یکدیگرند. ۳) یکی از وجوه اصلی این فعالیت‌ها، درگیری میان مدعیان است. ۴) هدف این درگیری، رسیدن مدعیان به خواسته‌هایشان است. ۵) این درگیری در مورد مسائل سیاسی گروه، تشکیلات، رهبری گروه، و یا مقررات ارتباط میان گروه‌هاست. ۶) این درگیری علیه کسانی است که خواسته‌هایی متخاصم و متفاوت دارند.

۱-۲-۱. عدم قطعیت

به‌طورکلی، هنجارها به دو دسته قطعی و غیرقطعی تقسیم می‌گردد. هنجارهای قطعی، شرایط مشخصی را تعریف می‌کنند که در صورت تجمیع، اثر از پیش تعیین‌شده‌ای بر آن بار می‌شود. این شرایط باید مطلق و قطعی تعریف شوند تا کار برای اجراکنندگان آن‌ها سهل‌تر گردد. هنجارهای حقوقی مانند «قانون» جزو این دسته به شمار می‌رود؛ اما در دسته دوم، شرایط مانند حالت اول قطعی نیست؛ بلکه به‌جای تعیین شرایط مطلق، تمرکز بر جهت‌دهی به ذهن تصمیم‌گیران و اجراکنندگان است؛ اما چگونگی اجرا به خود آن‌ها واگذار می‌شود. سیاست را می‌توان در قلمروی دسته اخیر جای داد.

دسته نخست، این نتیجه را دربردارد که تصمیم از پیش تعیین می‌شود و قاضی یا مقام عمومی در اتخاذ تصمیم از آزادی چندانی برخوردار نیست؛ درحالی‌که سیاست‌ها فاقد چنین ویژگی‌ای هستند و تنها با نشان‌دادن یک جهت خاص، زمینه تصمیم‌گیری را فراهم می‌کنند که مقام عمومی آن را در مواجهه با یک قضیه عینی اعمال می‌کند.

عدم‌قطعیت سیاست به انعطاف‌پذیری آن منجر می‌شود؛ بنابراین، طیف وسیعی از انتخاب‌ها می‌توانند با یک سیاست هماهنگ باشند. از طرف دیگر، سیاست‌ها می‌توانند در موقعیت‌های مختلف با توجه به شرایط موجود، نقش متفاوتی ایفا کنند. برای مثال، ممکن است یک سیاست در یک موقعیت به‌خصوص به علت اهمیت یک سیاست دیگر کنار گذارده شود؛ اما در شرایطی که ضرورت قبلی وجود ندارد، به‌طور کامل اعمال شود (رادین‌مهر، ۱۳۹۲: ۳۸).

۲-۲-۱. پایداری

همان‌طور که قانون نباید به‌سرعت تغییر کند، سیاست‌ها نیز باید دارای ثبات نسبی باشند. طبعاً سیاست به آینده نظر دارد و برخلاف قاعده حقوقی که با هر بار اعمال می‌توان گفت اجرا شده

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

است، برای تحقق هدف خود به سلسله‌ای از اقدامات، برنامه‌ریزی‌ها، تصمیمات و رفتارها در طول زمان نیاز دارد و در نتیجه، تغییر سریع آن موجب عقیم ماندنش می‌شود.

به‌واقع سیاست‌های در حال اجرا (به‌ویژه سیاست‌های کلان)، چون معطوف به کلی‌ترین اهداف یک حکومت هستند با تغییر برخی مقامات یا حتی قوای حاکم، نباید دستخوش تحولات بنیادین شوند؛ بلکه مسئولینی که در روی کار می‌آیند باید ضمن پذیرش سیاست‌های کلان سابق، با استفاده از قدرت اصلاح آن‌ها، همچنین تدوین سیاست‌های خردتر (به‌ویژه در سطح قوای مقننه و مجریه) به اداره امور مملکت بپردازند.

۳-۲-۱. نمایانگری

آنچه لقب سیاست به خود می‌گیرد باید در سطحی از کلیت قرار گیرد که تجلی‌گر ویژگی‌های نظامی باشد که در آن شکل می‌گیرد؛ فرهنگ و ارزش‌ها، ایدئولوژی و جهان‌بینی، نگرش‌های سیاسی – اجتماعی، همه در این سیاست‌ها باید بیان گردد و آثار آن در اسناد رده پایین‌تر دیده شود؛ به‌نحوی‌که بیانگر جایگاه آن نظام در میان سایر نظام‌ها باشد (الوانی، ۱۳۸۶: ۵۲).

٤-۲-۱. آینده‌نگری و هدف‌داری

سیاست اساساً نگاه به آینده دارد و خطوط کلی و جهت‌گیری‌های اساسی معطوف به آینده را با توجه به تجربیات گذشته پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین، اگرچه سیاست‌ها نیم‌نگاهی به گذشته دارند؛ اما باید توجه داشت هیچ‌گاه نمی‌توان عمل و تصمیم اتخاذشده در مورد اتفاقات گذشته را سیاست نامید.

در همین راستا باید دانست سیاست‌ها برای امور اتفاقی و تصادفی وضع نمی‌شوند؛ بلکه سیاست‌گذاران، آن را با اراده قبلی برای نیل به اهداف مشخص وضع می‌کنند.

۵-۲-۱. عمومیت و گستردگی

سیاست‌ها برای کل جامعه وضع می‌شوند و سعی در حل مشکلات عموم مردم دارند؛ همچنین گسترده و فراگیرند و اهداف متعددی در نظر دارند و حیطه نسبتاً وسیعی را دربردارند؛ بنابراین آنچه یک هدف جزئی و خاص دارد و برای گروه‌های خاصی از افراد تعیین و تدوین می‌شود، قابل تسمیه به‌عنوان «سیاست» نیست.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

٦-۲-۱. هماهنگی

سیاست‌ها باید از یک‌سو باهم هماهنگ باشند و از طرف دیگر، نهادهای مختلف را هماهنگ کنند. (مرادخانی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). سیاست‌های کلان باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر هماهنگ بودن با یکدیگر، انسجام سیاست‌های خرد و درنتیجه، تصمیمات سطوح پایین‌تر مدیریتی را فراهم آورند. سیاست‌های خرد نیز باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که در راستای سیاست‌های کلان قرار بگیرند و تصمیم‌های زیرمجموعه خود را هدایت کنند (رادین‌مهر، ۱۳۹۲: ۴۸).

سیاست همچنین روح قوانین حاکم بر جامعه را روشن می‌کند. تناقض سیاست‌ها به خنثی‌شدن آن‌ها و پایین آمدن کارایی سیستم مدیریت می‌انجامد. اگر نظام سیاست‌گذاری کشور، پیوستگی سیاست را از بین ببرد، قوه مجریه را از کار انداخته و اجرای سیاست‌ها را با چالش مواجه ساخته است.

۲. سطوح سیاست‌گذاری

در این قسمت برای تشریح مسأله و تشخیص این‌که شوراهای موضوع تحقیق در کدام سطح قرار می‌گیرند، مرزهای تمایز سطوح مختلف سیاست را بررسی می‌کنیم.

۱-۲. سیاست‌های فراگیر یا اَبَر سیاست[1]

این دسته از سیاست‌ها حاوی معیارها و الگوهایی است که لازم است در سیاست‌های سطوح پایین‌تر رعایت شود. سیاست‌های فراگیر، در واقع آیینه تمام‌نمای ارزش‌ها، شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه خاص هستند.

از نظر دامنه شمول این دسته از سیاست‌ها، حتی اگر از نظر موضوعی خاص باشند، عموماً فرابخشی هستند؛ اما آنچه ذات این مسائل را مشخص می‌کند، لزوماً گستره شمول آن نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن، اهمیت راهبردی آن مسائل برای یک حکومت است. اگر تصمیمات حکومت را به دو دسته تقسیم کنیم که دسته اول برای حل‌وفصل و موضوعات زودگذر اتخاذشده و انتظار ایجاد تغییرات بزرگ از آن‌ها را نداریم و دسته دوم، تصمیماتی که قطع به‌یقین در آینده کشور تأثیرات شگرفی بر جای خواهند گذاشت؛ سیاست‌های فراگیر در دسته دوم جای خواهند گرفت. این سیاست‌ها معطوف به کلی‌ترین فلسفه حکومت و در راستای تحقق بنیادین‌ترین اهداف آن است

1. Mega policy/Master policy

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

(نه جزئی‌تر). توجه به استقلال و آزادی و حفظ تمامیت ارضی و توسعه اقتصادی و از این قبیل موارد از پایه‌های اصلی هر حکومتی است که ابرسیاست‌ها، محل اصلی توجه به آن‌هاست.

سیاست‌های فراگیر، حدود هر یک از سیاست‌های سطح پایین‌تر، عمق نفوذ و ارتباط آن‌ها با نهادهای مرتبط با آن را معین می‌نمایند؛ همچنین اولویت‌های زمانی تحقق هر بخش از سیاست‌های سطح پایین‌تر به دلیل محدودیت‌های موجود در این سطح از سیاست‌ها مشخص می‌شود. برای مثال در ایران دارای دو عنوان سیاست کلی هستیم: یکی سیاست‌های کلی موضوعی که مثلاً بخش امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات، فرهنگ، محیط زیست، سیاست خارجی و از این قبیل موضوعات را دربرمی‌گیرد. به‌علاوه، دسته‌ای دیگر تحت عنوان سیاست کلی برنامه‌های توسعه را داریم که اولویت‌های۵ ساله سیاست‌های موضوعی پیش‌گفته را بیان می‌دارد.

سیاست‌های فراگیر، دربرگیرنده بنیادهای نظری سطوح بعدی سیاست‌هاست. نظریه‌های سیاسی، تئوری‌های مدیریت، تئوری‌های رفتاری و سایر تئوری‌های مربوط می‌توانند اساس نظری این خط‌مشی‌ها را تشکیل دهند و در خط‌مشی‌های فراگیر بیان شوند (الوانی، ۱۳۸۶: ۷۶).

۲-۲. سیاست‌های هادی یا راهنما[1]

این سطح از سیاست‌ها با دیدی کلان نسبت به مسائل و مشکلات، آن‌ها را تجزیه و تحلیل نموده است و با ارائه تصویری از امکانات فنی و تکنیکی و مخاطرات احتمالی، چارچوبی اساسی و مفید را برای تنظیم خط‌مشی‌های سطوح پایین‌تر ایجاد می‌کند (بهروز، تارنمای دیده‌بان سیاست‌گذاری ایران، ۱۳۹۴ : ۱۶).

سیاست‌های راهنما برای ایجاد چارچوب‌های روشن‌تر از سیاست‌های سطح بالاتر از خود و تبیین آن‌ها در راستای ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های سطح پایین‌تر به وجود می‌آیند. این سیاست‌ها ممکن است صریح یا تلویحی باشند. سیاست‌های این سطح از یک‌سو، مجموعه‌ای از قواعد تعیین‌کننده جنبه‌های خاص پیرامون یک سیاست موضوعی واحد مانند فرهنگ، یا فضای مجازی هستند و از سوی دیگر، دامنه شمول، مرجع و شیوه تغییر آن‌ها، دستگاه‌های مجری، تاریخ انقضای سیاست و هنگامه تدوین مجدد آن را مشخص می‌سازند. درضمن، ارتباط آن‌ها با زیرسیاست‌ها و سیاست‌های سطح پایین‌تر را معلوم می‌دارد. از سوی دیگر، کارکرد دوم این سطح، هماهنگ‌سازی در اجرای سیاست‌های چندگانه و نظمی است که در ابعاد مختلف باید محقق گردد. در این بخش، تعارضات احتمالی در اولویت‌بندی سیاست‌ها حل می‌گردد؛ مثلاً ممکن است یک

1. Meta Policy

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

سیاست، اقتضائاتی داشته باشد که سیاست‌های دیگر آن، اقتضائات را ممنوع کنند یا آن‌که منابع برای تخصیص به اجرای دو سیاست محدود باشد و مجبور به انتخاب باشیم. پس چگونگی تعامل زیرسیاست‌ها و اولویت هر یک از آن‌ها با این سطح از سیاست است.(Hosmer, 1992:32)

برای مثال، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، وقتی سیاست کشور بر انحصارزدایی از پیام‌رسان خارجی قرار می‌گیرد؛ این سیاست راهنماست که جهت‌گیری کلی وظایف دستگاه‌های فنی (مانند وزارت ارتباطات)، امنیتی و دفاعی (مانند وزارت دفاع) و فرهنگی (مانند صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) را به همراه قواعد تعیین حیطه صلاحیت این نهادها معین می‌کند.

به‌طور خلاصه، ویژگی‌های این سطح از سیاست‌ها را می‌توان در تشریح سیاست‌های کلی، بیان محدودیت‌ها در اجرای سیاست‌ها، مدیریت تعامل سیاست‌های موضوعی در کنار هم، هماهنگ‌سازی آن‌ها و سرانجام، تعیین حیطه سازمانی سیاست‌ها بیان نمود.

۳-۲- سیاست‌های عمومی[1]

عینی‌ترین سطح سیاست‌گذاری سطح سوم، یعنی سیاست عمومی است که تبلور سطوح پیشین در آن دیده می‌شود. به بیان دیگر، دو سطح اول که سیاست‌های کلان را در برمی‌گرفت، در این سطح خرد می‌شود و میان نهادهای کشور تقسیم می‌شود و هر یک، عهده‌دار برنامه‌ریزی طراحی سیاست عمومی حیطه تخصصی خویش در چارچوب سطوح بالاتر می‌گردند.

به یک اعتبار، تقسیم‌بندی سیاست‌گذاری را در این سطح با توجه به کارکرد هر یک از قوا انجام می‌دهند؛ درواقع، روح حاکم بر اقدامات پارلمان، قوه مجریه و قوه قضاییه در طول یک دوره، حکایت از هسته اصلی سیاست حرکت آن بخش از قدرت در راستای سیاست‌های کلان یک نظام سیاسی دارد؛ بنابراین، خط‌مشی‌ها را به سه قسمت: تقنینی، اجرایی و قضایی تقسیم می‌شود که بالطبع، خط‌مشی تقنینی بر دو دسته دیگر، اشراف بیشتری دارد. هرچند این امر مطلق نیست و تأثیر و تأثر در این میان کاملاً واضح خواهد بود؛ چنان‌که دولت تدارک بسیاری از مواد خام قانون‌گذار را می‌بیند.

یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های فهم سیاست یک مجلس یا دولت چهارساله، زمان انتخابات است. در زمان انتخابات پارلمان یا ریاست جمهوری، افراد و به‌ویژه احزاب مورد نظر از اولویت‌های خود در تقدیم و تأخیر بخشیدن به امور جاری جامعه سخن می‌گویند و برنامه‌های خود را در جهت عملی ساختن این موضوع ارائه می‌دهند. همان برنامه‌هایی که عموماً پس از انتخابات، تلاش

1. Public Policy

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

می‌کنند تا از روش‌های پیش‌بینی‌شده در قانون و در حیطه اختیارات قانونی به آن‌ها مشروعیت هنجاری ببخشند.

برای مثال در ایران، مجلس ششم و دولت هفتم و هشتم، توسعه سیاسی و گسترش آزادی‌های مدنی را به‌عنوان سیاست عمومی و هدف آن در پیش گرفته بودند؛ همچنین، مجالس هفتم، هشتم و نهم و دولت‌های نهم و دهم، توجه به مباحث مربوط به عدالت و قشر مستضعف را به‌عنوان یکی از سیاست‌های عمومی برگزیدند.

در جمع‌بندی سطوح سه‌گانه، اشاره به دو نکته ضروریست نخست آن‌که که اگر راهبردهای کلان بلندمدت کشور در سیاست‌های فراگیر مورد تدوین قرار می‌گیرند و راهبردهای اجرایی کوتاه‌مدت‌تر در سیاست‌های عمومی، سیاست‌های راهنما جنبه واسط میان این دو سطح را دارند و طراحی ماهوی به آن اندازه که در سطح فرازین و فرودین سیاست‌گذاری دیده می‌شود؛ در سطح دوم به‌چشم نمی‌خورد. نکته نهایی نیز درخصوص جایگاه سیاست آن‌که در یک نظام کلاسیک و کارا به لحاظ تفکیک قوا، قانون اساسی پس از تبیین آرمان‌ها و اهداف، کلی‌ترین طرق نیل به آن‌ها را مشخص می‌کند؛ سپس این مجلس است که سیاست‌های کلی (کلی‌ترین سیاست‌ها پس از قانون اساسی و در چارچوب آن را مشخص می‌کند) در این نظام برای آن‌که یک تصمیم یا مصوبه، قدرت الزام‌آور حقوقی داشته باشد، باید یا تقنینی باشد یا اداری – اجرایی و یا قضایی. (امیر ارجمند، ۱۳۸۱: ۵۵)

بنابراین سیاست‌ها در هر سطحی که قرار داشته باشند، بیشتر نقش جهت‌دهنده به تصمیمات مقامات ذی‌صلاح قوا را دارند و باید طی فرایندی تعاملی با تمامی قوا از مجرای پیش‌بینی‌شده لازم عبور کنند تا مشروعیت حقوقی بیابند.

یکی از وظایف اساسی سیاست‌گذاری عمومی، جمع‌بندی و طبقه‌بندی علمی تجارب مدیریت بخش عمومی است تا براساس فرایند یادگیری بتوان این تجارب را به الگوهای دربرگیرنده مفاهیم و ارتباط بین آنها تبدیل کرد تا در حوزهٔ سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد. (Morton,2006:37) حدود دو دهه است که پدیده‌ای با عنوان ایجاد ظرفیت یادگیری برای تغییر و اصلاح در سیاست عمومی به موضوعی مهم تبدیل شده است(Kay,2006:86). سیاست‌ها هرگز کامل نمی شوند؛ بلکه در اجرا از شکلی به شکل دیگر تغییر می‌یابند. بعضی از سیاست‌ها به هنگام اجرا به دلایل گوناگون به‌خصوص تغییر شرایط محیطی و آزمون سیاست در مقام اجرا، محتوای خود را عوض می‌کنند و به صورتی دیگر ظاهر می‌شوند؛ از این‌رو، مسأله تغییر و اصلاح سیاست، جایگاهی خاص در سیاست‌گذاری عمومی به خود اختصاص می‌دهد

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

(Rose,2005:96). بهترین سیاست‌ها هم نمی‌توانند سیاست‌هایی همیشگی وکامل باشند؛ بنابراین، سیاست‌گذاری، فعالیت مقطعی نیست که از یک نقطه آغاز و در نقطه‌ای دیگر به پایان رسد؛ بلکه به دلیل تغییر منابع تدوین سیاست و حتی مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ یک مشکل، بازنگری سیاست‌ها و تغییر و اصلاح آنها، مبنای تکامل سیاست‌هاست (الوانی، ۱۳۸۶: ۳۲).

۳. سیاست‌گذاری عمومی

سیاست‌گذاری عمومی به عنوان یک دانش بین رشته‌ای، مولفه‌هایی را از رشته اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق گردهم می‌آورد تا برای مشکلات جامعه و دولت، راه‌حل‌های عینی و کارآمد ارائه نماید. علوم سیاست‌گذاری می‌کوشد شناخت عملی ما را در زمینه سیاست‌های بخش عمومی گسترش دهد؛ محتوا و جوهره «ژست‌ها» و دخالت‌های دولتی در امور را بازشناسد و در یک کلام، از فعالیت‌های بخش عمومی به صورت خرد سخن گوید: دولت چه جنبه‌هایی از امور عمومی را به عهده گرفته است؟ سیاسی یا اداری؟ منطقه‌ای یا ملی؟ چگونه؟ در پاسخ به چه مساله‌ای؟ با چه ابزاری؟ با چه نتایجی؟ و برای چه کسی؟ علوم سیاست‌گذاری از امنیت عمومی آموزش کادرهای دولتی، پیش‌بینی فعالیت‌های دولت، امور مالی، حمل و نقل، برنامه‌ریزی شهری و خلاصه، از تدبیر امور جامعه سخن به میان می‌آورد (گراویتز و همکاران، ۱۹۸۵: ۱۴۵). علوم سیاست‌گذاری، بخشی از جنبش عقلایی‌کردن زندگی بشری و عقلایی عمل‌کردن بشر است که به کمک آن انسان سعی می‌کند به تسلط روزافزونی بر زندگی اجتماعی خویش دست یابد. «تحلیل سیاست‌های عمومی»، حلقه مفقوده‌ای است که پژوهشگران را در شناخت تجربی پیچیدگی قانون‌گذاری حکومتی و ماهیت آن یاری می‌دهد. (دوران، ۱۹۹۰: ۱۶۹) و بالاخره به بیانی فنی تر، علوم سیاست‌گذاری عبارت است از: ترکیبی از علم، مهارت و هنر؛ علم، بدنه تئوریک، مفاهیم و روش‌های اساسی آن است؛ مهارت، مجموعه‌ای هست از تکنیک‌های کاربردی، قواعد عملی و روش‌های عملیاتی «استاندارد»؛ و هنر، عبارت است از: مشی، سبک و حالتی که کاری انجام می‌شود (مجچرزوک، ۱۹۸۴: ۱۵۹). بر اساس آنچه گذشت، یکی از وظایف پژوهشگر علوم سیاست‌گذاری می‌تواند آن باشد که مسائل جامعه را به طور عینی و خرد، تحلیل و بر پایه آن توصیه‌هایی کاربردی به سیاستمداران ارائه نماید و بدین‌سان، دولتمردان را در جهت انتخاب بهترین راه‌حل‌ها یاری کند (یحیی کمالی، ۱۳۹۳: ۹۵).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

٤. تدوین خط‌مشی عمومی

تعریف‌های مفهومی متعددی از سیاست‌گذاری عمومی بیان شده است. کوچران؛ سیاست‌گذاری عمومی را فعالیت‌های حکومت و مقاصد برانگیزانندهٔ این فعالیت‌ها تعریف می‌کند (Birkland, 2001:23). به عقیدهٔ توماس‌دای، سیاست‌گذاری عمومی چیزی است که حکومت تصمیم می‌گیرد، انجام دهد یا کنار بگذارد (Dye, 2002:64). برای خط‌مشی‌گذاری، مراحل مختلفی پیشنهاد شده است. عمومی‌ترین مراحل پیشنهادی، مدل سه‌مرحله‌ای شامل: تدوین، اجرا و ارزیابی است.

معنی سادهٔ تدوین خط‌مشی‌عمومی، طراحی‌کردن نسخه واحدی برای برطرف‌کردن بعضی نیازها یا اقدام برای رفع یک مسأله یا مشکل است (الوانی و شریف‌زاده۱۳۹۲ : ۲۳)

به‌دلیل نزدیکی دو مفهوم سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری، در بسیاری از موارد، این دو مفهوم به جای یکدیگر به‌کار می‌روند.

سیاست‌گذاری؛ واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره‌خورده و تداعی‌کنندهٔ اقدام دولت در ادارهٔ صحیح امور عمومی است.

خط‌مشی با تصمیم‌ها و سیاست‌هایی که به‌وسیله مراجع مختلف بخش عمومی (مجلس، قوای سه‌گانه و...) که نمایندهٔ حفظ منافع عمومی‌اند، اتخاذ می‌شود یا به اقدامات هدفدار، راه و روش انجام هدف‌های نظام، بایدها و نبایدها و راهنمای عمل قلمروی خط‌مشی جامعه است، گفته می‌شود.

٤-١. مدل‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی

یکی از تدابیری که در فرآیند خط‌مشی‌گذاری به منظور شناخت بهتر و ساده‌تر عوامل و متغیرهای موجود کاربرد دارد، تعریف مدل است. در ادامه، برخی از مهم‌ترین انواع مدل‌های خط‌مشی‌گذاری به طور مختصر معرفی می‌شود.

٤-١-١. مدل عقلایی جامع

بر اساس رویکرد عقلایی، چهار مرحله برای خط‌مشی‌گذاری در نظر گرفته شده است:

۱. تشخیص مشکل؛
۲. مشخص‌کردن و تشریح همهٔ گزینه‌های ممکن؛

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

۳. ازریابی همهٔ گزینه‌ها با به‌کارگیری مقیاس‌های هدفمند که از اهداف ناشی می‌شوند؛
۴. انتخاب راه‌حلی که بیشترین خروجی را دارد.

بنابراین برای خط‌مشی‌گذاری در رویکرد عقلایی، دو نکته اهمیت دارد:

الف. فراهم کردن گزینه‌های ممکن برای خط‌مشی عمومی و انتخاب اثربخش‌ترین گزینه بر مبنای تجزیه و تحلیل هزینه ـ فایده

ب. انتخاب ابزارهایی برای اجرای مناسب خط‌مشی عمومی.

۲-۱-٤. مدل عقلایی محدود

در مدل عقلایی محدود، خط‌مشی‌گذاران از دستیابی به گزینه‌هایی که نسبت به منافع آن‌ها فاصله دارد، صرف‌نظر می‌کنند، و به جای تحقق بهترین هدف به‌دنبال تحقق اهداف رضایت‌بخش هستند. (Augir, 2007:75)

۳-۱-٤. مدل نهادی در خط‌مشی‌گذاری

مدل نهادی تشریح می‌کند که چگونه گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی بر تصمیم‌ها و نحوهٔ اجرای آن‌ها در خط‌مشی عمومی توافق می‌کنند. مدل نهادی، درک روابط نهادهای دولتی و فرایند خط‌مشی‌گذاری را ممکن می‌کند (Dogaru, 2011:38). رویکرد نهادگرایی با تمرکز بر جنبه‌های قانونی و ساختاری نهادها برای تجزیه و تحلیل فرایند خط‌مشی‌گذاری به‌کار گرفته می‌شود.

ساختارها، نهادها و توافق و تعامل آن‌ها با محیط خارجی، نقش مهمی در خط‌مشی‌گذاری دارد؛ به‌عبارت دیگر، نهادها مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری بازیگرانی‌اند که بر فرایند خط‌مشی‌گذاری و محتوای آن مؤثرند.

٤-۱-٤. مدل گروهی

مدل گروهی، بیان دیگری از نظریهٔ جامعهٔ مرکب است. در مدل گروهی، طبقات و گروه‌های مختلف در جامعه با یکدیگر در ارتباط و تعاملند و خط‌مشی‌گذاری، حاصل فشار و نیروهایی است که از سوی این گروه‌ها بر هم وارد می‌شود. نظریه گروهی، یکی از روش‌های پویا در شکل‌گیری خط‌مشی‌ها در جوامع مرکب مانند ایالات متحده امریکا است. (Anderson, 2003:76)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

٤-١-٥. مدل نخبگان

در این مدل، خط‌مشی عمومی؛ انعکاس‌دهندۀ ترجیحات نخبگان است. در نظریۀ نخبگان جامعه به دو دستۀ اقلیت قدرتمند و اکثریت بدون قدرت تقسیم می‌شود. شمار اندکی از افراد، ارزش‌ها را در جامعه توزیع می‌کنند. توده‌ها در خط‌مشی‌گذاری عمومی تصمیم‌گیری نمی‌کنند (Dye & Zeigler, 1996:27)

٤-١-٦. نظریه بازی

این مدل بر تصمیم‌های عقلایی در محیط رقابتی بین دو یا چند نفر(گروه) تأکید دارد. شرایط رقابتی به‌گونه‌ای است که بازده هر گزینه برای یک طرف؛ مرتبط به نتایج گزینۀ طرف دیگر است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

٤-١-٧. مدل سیستمی

نظریۀ سیستم‌ها، خط‌مشی عمومی را به عنوان بازده سیستم بیان می‌کند. نظریۀ خط‌مشی در قالب سیستم در جامعه به مجموعه‌ای از نهادها و فعالیت‌های قابل شناسایی اشاره دارد که نیازها را به تصمیم‌های معتبری که نیازمند پشتیبانی همۀ قشرهای جامعه باشد، تبدیل می‌کند. این مدل، به عناصری از سیستم اشاره دارد که با یکدیگر در ارتباطند (الوانی و شریف‌زاده،۱۳۹۲:۴۴).

٤-١-٨. مدل جزئی -تدریجی

در مدل جزئی – تدریجی، خط‌مشی‌گذاران عموماً مشروعیت برنامه‌های حاضر را می‌پذیرند و برای ادامۀ خط‌مشی‌های قبلی با تغییراتی جزئی، موافق‌اند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۳)

٤-١-٩. مدل تلفیقی

این مدل، شیوه‌ای ترکیبی است که پدیده و مفاهیم تصمیم‌های عالی و راهبردی را با مسائل سطوح پایین و تدریجی که برای سطوح بالاتر تدارک دیده می‌شوند، تلفیق می‌کند. در کل، مدل تلفیقی، مدل‌های عقلایی، تغییرات تدریجی و رضایت‌بخش را تلفیق می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

۱۰-۱-٤. مدل انتخاب عمومی

در این مدل، تصمیم‌گیرنده با امکانات و فرصت‌های خاصی مواجه می‌شود و با مزایای نسبی انواع مختلف شیوه‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری می‌کند. انسان در چنین شرایطی از روی شانس و تصادف تصمیم‌گیری نمی‌کند؛ بلکه با قصد و نیت در پی حصول نتایج مورد نظر خود بررسی‌هایی انجام می‌دهد (الوانی و شریف‌زاده،۱۳۹۲ :۱۲-۱۱).

۱۱-۱-٤. مدل آشفته

مدل آشفته(سطل زباله)، مدل تصمیم‌گیری در شرایط مبهم و آشفته است. در این مدل، سازمان‌ها «بی‌نظمی سازمان‌یافته» محسوب می‌شوند که وضوح و شفافیت ندارند. این ابهام به سه شکل جلوه می‌کند:

اول) اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان غالباً روشن و مشخص نیست و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و حتی اولویت‌ها گاهی پس از اتخاذ تصمیم مشخص می‌شود.

دوم) ابهام در روابط علت و معلولی؛ اعضای سازمان و تصمیم‌گیرندگان، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه به وسیلهٔ آزمون و خطا به دست می‌آورند و هیچ‌گاه نمی‌توانند با اطمینان ابراز کنند که علت اصلی کدام است.

سوم) ابهام ناشی از اعضای دخیل در فرایند تصمیم‌گیری؛ این اعضا با توجه به علاقه‌ها، سلیقه‌ها، نیروها و زمانی که در اختیار دارند به جرگهٔ تصمیم‌گیری می‌پیوندند، یا از آن جدا می‌شوند.

بنابراین، پیش‌بینی اینکه چه کسانی واقعاً در تصمیم‌گیری مشارکت خواهند کرد، بسیار دشوار است (الوانی و شریف‌زاده ،۱۳۹۲ : ۱۲۹)

۵- خط‌مشی‌گذاری آموزشی

دولت‌ها از دیرباز تاکنون مسئولیت‌های گوناگونی را برای ادارهٔ امور جوامع برعهده داشته‌اند. گرچه در طول دوران متفاوت و به فراخور شرایط محیط، این وظایف و مسئولیت‌ها دستخوش تفسیراتی شده است؛ اما هیچگاه ضرورت وجود دولت‌ها زیر سوال نرفته است. دولت‌ها، وظایف و راهبردهای کلان خود را از طریق دستگاه‌ها و سازمان‌های تحت پوشش خود در سطح جامعه انجام می‌دهند (دانایی‌فرد و الوانی، ۱۳۸۰: ۱۳۶). بدون شک، آموزش مهارت یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت‌های هر کشور است که اگر درست انجام شود به کمک مهارت‌آموزانی که با این آموزش‌ها

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

و مهارت‌ها در صحنه عمل وارد شوند، زمینه‌های رشد و تعالی و شکوفایی کشور فراهم می‌شود و اگر نادرست انجام شود، نتیجه آن؛ کارآموزانی ناآشنا و بی‌کفایت، اتلاف سرمایه و منابع را به دنبال دارد. توسعه، با کارکنان و مدیران لایق و با مهارت محقق می‌شود و کشور در دنیای پیچیده کنونی به وسیله متخصصان در همه سطوح، قادر به اداره موثر خواهد بود و این همه در گرو یآموزش صحیح است.

با توجه به اینکه منابع انسانی، ثروت یک ملت و سازمان هستند و ستون فقرات هر سازمانی به‌وسیله منابع انسانی آن شکل داده می‌شود؛ در اهمیت آنها شکی وجود ندارد. اندیشمندان مدیریت معتقدند که تفاوت کشورهای فقیر و غنی، نه در منابع مادی و مالی آنها، بلکه در توانمندی‌های منابع انسانی و نحوۀ اداره و مدیریت آنهاست. بر این اساس، فرآیند آموزش و آماده‌سازی منابع انسانی در جهت انجام اثربخش فعالیت‌ها از تعیین‌کننده‌ترین فرآیندهای مدیریت و پشتیبانی در همه کشورها و سازمان‌های پیشرو و موفق جهان است؛ چرا که هر سازمانی برای کاربرد مناسب منابع، در راستای تحقق وظایفی که مدیران سطوح بالاتر برای آن طراحی نموده‌اند، به‌صورت مستقیم وابسته به آموزش‌ها و مهارت‌های منابع انسانی آن است. اگر آموزش‌های مهارتی در سازمان‌ها باعث ایجاد منابع انسانی اثربخش و مسئولیت‌پذیری شود؛ خروجی‌های آن سازمان به‌صورت خودکار، برتر خواهند بود. (شاشانک، ۲۰۱۰ :۶۱)

یکی از مشکلات و دغدغه‌های نظام اداری کشور، یادگیری در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه یادگیری مهارت های عملی است. آگاهی از شیوه‌های نوین آموزش، استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی، پرهیز از روش‌های کم فایده و یک‌طرفه گذشته، فراگیران را یاری خواهد نمود تا استفاده بهتری از فرصت‌ها بنمایند و گام‌های بلندتری به سوی ایجاد تحول در آموزش بردارند. (بستبل، ۱۹۹۷: ۱۱). تدوام این مشکلات باعث مصرف بزرگ‌ترین بخش هزینه ملی شده است و اکنون بسیاری از مدیران سازمان‌های آموزشی، تردید دارند که جامعه بیش از این بتواند مخارج سنگین و بهره‌وری نازل امر آموزش را تحمل کند (ایوان، ۱۳۷۷ : ۲۵).

به طورکلی، پژوهشگران عدم تعمیم‌پذیری مهارت آموخته شده به محیط طبیعی را، بزرگ‌ترین مشکل آموزش سنتی مهارت‌های اجتماعی (آموزش، ارائه الگو، تمرین، بازخورد و تقویت) می‌دانند؛ زیرا در این شیوه، آموزش یک مهارت؛ تنها دستورالعملی مستقیم دربارۀ یک نحوه عمل مشخص در یک موقعیت خاص است و انعطاف‌پذیری لازم را برای تطبیق با موقعیت‌های جدید ندارد (راحیل، ۲۰۰۲ : ۱۹).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

هر یک از سازمان‌ها با توجه به اهمیت آموزش و مهارت، تلاش می‌کنند فرصت‌هایی را برای رشد و بالندگی اعضای خود به وجود آورند. پیشرفت و تحولات سریع علم و تکنولوژی همراه با تحولات وسیع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایجاب می‌کند که نیروی انسانی شاغل در سازمان‌ها به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه یک سازمان، به‌منظور همگامی و همراهی با تحولات مذکور، اکتفای چندانی به آموزش‌های قبل و بدو خدمت خود ننمایند و با استفاده از فرصت‌ها و شرکت در دوره‌های آموزشی ضمن‌خدمت بتوانند به عنوان عنصری فعال و موثر در جهت تحقق اهداف خود و سازمان، نقش لازم را ایفا نمایند.

امروزه آموزش ضمن‌خدمت، نه‌تنها در سازمان‌های آموزشی، بلکه در تمام سازمان‌هایی که به طور مستمر درصدد ارتقای کیفی و کمّی علمی و حرفه‌ای خود هستند، در سطح وسیعی به کار گرفته می‌شود. برنامه‌های آموزش ضمن‌خدمت، وقتی موثر است که بر اساس نیازهای واقعی کارکنان باشد و آنها داوطلبانه در آموزش شرکت نمایند. نوع نیازها و انتظارات شرکت‌کنندگان، عامل مهمی در تعیین اهداف آموزشی، محتوای درسی دوره‌ها، روش‌های آموزشی، نحوه اجرای برنامه، همچنین نحوه ارزشیابی آموزشی است.

شایان ذکر است که خط‌مشی آموزشی- مهارتی، هرگز برای یک بار تدوین و با اجرا به پایان نمی‌رسد؛ بلکه همیشه تداوم دارد و با تغییرات اندکی با اقتضائات زمان منطبق می‌شود. (کینگ و کرامر، ۲۰۰۷: ۱۶۸)

تحقیقات متعددی برای تبیین نظام آموزش مهارتی در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است.

عطارنیا و مولوی (۱۳۹۳: ۳۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت اجرایی خط‌مشی‌های راهبرد توسعه و ارتقای منابع انسانی در سازمان فنی و حرفه‌ای»، وضعیت اجرایی خط‌مشی‌های راهبردی توسعه و ارتقای منابع انسانی در سازمان فنی و حرفه‌ای را بررسی کردند. نتایج تحلیل‌های کیفی و کمّی داده‌های جمع‌آوری‌شده، نشان داد به جز چند برنامه محدود، وضعیت اجرای همه خط‌مشی‌ها و برنامه‌های راهبرد توسعه و ارتقای منابع انسانی نامطلوب است. نتایج این تحقیق بر لزوم توجه بیشتر به اجرایی‌کردن خط‌مشی‌ها و برنامه‌های تدوین‌شده برای سازمان فنی و حرفه‌ای تاکید دارد.

اگرول و گاسکو (۲۰۱۳ :۲۵) در پژوهشی با عنوان: «تحلیل مقایسه‌ای خط‌مشی‌های ملی گسترش مهارت‌ها؛ راهنمایی برای خط‌مشی‌گذاران»، استانداردهای سازمان بین‌المللی کار و سازمان یونسکو را در آموزش‌های مهارتی مطالعه و استخراج کردند. در نهایت، ۱۵ حوزۀ خط‌مشی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

از استانداردهای سازمان بین‌المللی کار استخراج شد. در تحقیق صورت‌گرفته توسط پوراندخت نیرومند و محبوبه رنجبر، با عنوان«نقش آموزش‌های شایستگی و مهارتی در توسعه قابلیت‌های فناوری شرکت‌های فناوری‌بنیان»، نتایج حاصل چنین نشان می‌دهد که قابلیت‌های فناوری ملی به دلیل فراهم‌آوردن نیل به توسعه اقتصادی و بالابردن توان رقابتی، توجه بسیاری را جلب نموده است. کسب توانمندی‌های فناوری، تحت‌تاثیر عوامل مختلف درون‌بنگاهی چون کسب و یادگیری شایستگی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای مختلف و برون‌بنگاهی ازجمله: مشوق‌ها، شایستگی‌ها، اطلاعات فنی و خدمات پشتیبانی، نهادها، تامین مالی و سیاست‌های صریح فناوری است که تعامل پیچیدۀ این عوامل، توانایی یک بنگاه برای توسعه قابلیت‌های فناوری را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت نقش شایستگی در ایجاد و ارتقای توانمندی فناورانه در این پژوهش، ۲۶ عنوان شایستگی در قالب ۳ بُعد شایستگی‌های بنیادین، شایستگی‌های حوزۀ صنعت و شایستگی‌های خاص حرفه از دیدگاه مدیران، مخترعان و نوآوران مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این تحقیق، بررسی تأثیر و جایگاه شایستگی‌ها در موفقیت شرکت‌های فناوری‌بنیان است که با استفاده از رویکرد پیمایشی انجام شده است. نتایج نشان داد که از دیدگاه مدیران و محققان، تاثیر هر یک از شایستگی‌های مورد بررسی برای کسب موفقیت در به‌دست آوردن، نگهداشت و رشد و بهبود شغلی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تاثیر همه شایستگی‌ها به صورت معنادار بیش از میانگین نظری مقیاس اندازه است. در این‌میان، شایستگی‌های بنیادین در درجه اول، شایستگی‌های خاص حرفه در درجه دوم و شایستگی‌های حوزه صنعت در رده بعدی در موفقیت شرکت‌های فناوری‌بنیان تاثیر گذارند. باتوجه به اهمیت شایستگی در تعالی و موفقیت سازمان‌ها؛ سیاست‌گذاران و مدیران نظام آموزش رسمی و غیررسمی کشور لازم است با تدوین مدل شایستگی برای کلیه سطوح مدیران، مهندسان و دانش‌گران حوزه‌های مختلف فناوری، سیاست‌ها و برنامه‌های لازم برای تحقق آن را ارائه نمایند.

روش تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به توسعۀ دانش کاربردی در حوزۀ سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری آموزشی- مهارتی کمک می‌کند و نتایج تحقیق در عمل کاربرد خواهد داشت؛ این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است؛ همچنین، از نظر نحوۀ گردآوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی است که با استفاده از روش دلفی مقطعی انجام می‌گیرد. جامعۀ آماری این تحقیق، کلیۀ خبرگان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها آشنا به مباحث سیاست‌گذاری و نظام مهارتی ایران،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

مدیران و کارشناسان ارشد نظام آموزش فنی و مهارتی کشور هستند. در این تحقیق، روش نمونه‌گیری از خبرگان به منظور مصاحبه‌های اکتشافی و اجرای فن دلفی، روش گلوله برفی و نمونه‌گیری قضاوتی است. در مجموع، ۸ مصاحبه انجام گرفت و برای انجام روش دلفی، ۳۵ پرسشنامه برای خبرگان ارسال شد که ۲۸ نفر در اجرا به طور کامل همکاری کردند.

یافته‌های پژوهش

با انجام مصاحبه‌های اکتشافی، نهادهایی که درحال حاضر در سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری دوره‌های آموزشی مهارتی دخالت دارند، تعیین شد. این نهادها در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱ـ نهادها و مؤسسات وابستهٔ خط‌مشی‌گذار دوره‌های آموزشی – مهارتی در ایران

ردیف	نهـــاد
۱	سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
۲	نهاد ریاست جمهوری (موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، موسسه ملی استاندارد)
۳	سازمان برنامه و بودجه کشور (مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، سازمان اداری و استخدامی کشور، مرکز آمار)
۴	سازمان صدا و سیما (موسسه سروش، باشگاه خبرنگاران)
۵	وزارت آموزش و پرورش
۶	وزارت جهاد کشاورزی (سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی)
۷	وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان بهره‌وری، مرکز آموزش و تحقیقات بازرگانی، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی و. . .)
۸	وزارت ورزش و جوانان (فدراسیون‌های ورزشی)
۹	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۰	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مراکز آموزشی، دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی و پارک‌های علمی)
۱۱	وزارت اقتصاد و امور دارایی (بانک‌ها، بیمه‌ها)
۱۲	وزارت کشور (شهرداری‌ها، سازمان فرهنگی، هنری)
۱۳	قوه قضاییه (سازمان زندان‌ها و اقدامات تربیتی، دادگستری‌ها و. . .)
۱۴	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۵	نیروی انتظامی
۱۶	سازمان بهزیستی
۱۷	کمیته امداد امام خمینی (ره)
۱۸	سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
۱۹	جمعیت هلال‌احمر
۲۰	جهاد دانشگاهی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

به دلیل همپوشانی فعالیت برخی مؤسسات و سازمان‌های وابسته، یا کمرنگ بودن نقش آنها در تدوین خط‌مشی دوره‌های آموزشی مهارتی، فقط نهادهای اصلی در ادامهٔ فرایند تحقیق مدنظر قرار گرفت؛ بنابراین، با اجرای تکنیک دلفی، نهادهایی که در تدوین خط‌مشی برای دوره‌های آموزشی مهارتی مؤثرتر عمل می‌کنند، استخراج شد.

جدول ۲-تحلیل توصیفی حاصل از اجرای تکنیک دلفی

ردیف	نهاد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
۱	سازمان برنامه بودجه	۶/۰۰	۰/۹۶۶	۰/۱۷۴
۲	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۶/۰۳	۰/۷۹۵	۰/۱۴۳
۳	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۶/۰۰	۰/۸۵۶	۰/۱۵۴
۴	قوه قضائیه	۲/۰۳	۰/۷۵۲	۰/۱۳۵
۵	وزارت کشور	۲/۴۲	۰/۹۲۳	۰/۱۶۶
۶	جهاد دانشگاهی	۶/۰۳	۰/۶۵۷	۰/۱۱۸
۷	وزارت آموزش و پرورش	۶/۲۹	۱/۸۳۵	۰/۱۴۲
۸	نهاد ریاست جمهوری	۵/۳۲	۰/۵۸۰	۰/۱۱۲
۹	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۲/۸۴	۰/۸۲۰	۰/۱۴۷
۱۰	نیروی انتظامی	۲/۰۳	۰/۷۵۲	۰/۱۳۵
۱۱	جمعیت هلال احمر	۳/۱۶	۲/۰۶۷	۰/۳۷۱
۱۲	سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور	۶/۹۴	۰/۲۵۰	۰/۰۴۵
۱۳	وزارت ورزش و جوانان	۲/۹۰	۱/۳۲۶	۰/۲۳۸
۱۴	سازمان میراث فرهنگی و گردشگری	۲/۰۳	۰/۹۴۸	۰/۱۷۰
۱۵	وزارت جهاد کشاورزی	۵/۱۹	۰/۷۴۹	۰/۱۳۵
۱۶	کمیته امداد امام خمینی (ره)	۲/۸۱	۱/۲۲۳	۰/۲۲۰
۱۷	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۵/۲۱	۰/۷۴۸	۰/۱۲۴
۱۸	وزارت اقتصاد و امور دارایی	۲/۰۳	۰/۶۵۷	۰/۱۱۸
۱۹	سازمان صدا و سیما	۲/۱۳	۰/۸۸۵	۰/۱۵۹
۲۰	سازمان بهزیستی	۲/۸۱	۱/۲۵۰	۰/۲۲۴

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

در روش دلفی، برای رسیدن به اجماع و تأیید نظام، نیاز به برقراری سه شرط در ابعاد و گویه‌هاست.

شرط اول، میانگین آماری بالاتر از عدد ۵ برای طیف هفت‌گانه لیکرت به منظور نشان‌دادن اهمیت آنهاست؛

شرط دوم، انحراف معیار کمتر از ۱/۴ برای نشان دادن اجماع در پذیرش این نهاد توسط خبرگان است؛ و شرط سوم، تأیید آماری نتایج هر انتخاب است.

با توجه به جدول۴ ، دو شرط برای پذیرش نهاد مورد نظر بررسی شد. همان‌طور که در جدول مشهود است، به جز ۹ نهاد، میانگین محاسبه‌شده برای نهادهای دیگر پایین‌تر از عدد ۵ است؛ این ۹ نهاد که شرط اول اجماع را دارند، انحراف معیاری کمتر از ۱/۴ دارند؛ بنابراین، دارای شرط دو هم هستند. این نهادها عبارتند از:

۱. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
۲. نهاد ریاست‌جمهوری
۳. سازمان برنامه و بودجه
۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵. جهاد دانشگاهی
۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۷. وزارت آموزش و پرورش
۸. وزارت جهاد کشاورزی
۹. وزارت صنعت، معدن و تجارت

برای تحقق شرط سوم و رتبه‌بندی درجه اهمیت نهادهای سیاست‌گذار، آزمون تی استیودنت انجام شد. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، به‌عنوان مثال، ضریب معناداری برای وزارت جهادکشاورزی برابر ۰/۱۶۱ و بیش از سطح خطای ۰/۰۵است؛ بنابراین، درباره این نهاد فرض صفر تایید می‌شود و این نهاد در مجموعه نهادهایی قرار می‌گیرد که از نظر خبرگان در تدوین خط‌مشی دوره‌های آموزشی مهارتی موثر است. ضریب معناداری برای نهادهای دیگر از صفر تا ۰/۰۲۳ متفاوت است که همگی پایین‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

جدول ۳- نتایج آزمون تی برای معناداری نتایج تکنیک دلفی

ردیف	نهـــــاد	مقدار تی	درجه آزادی	ضریب معناداری	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
۱	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۷/۲۲۸	۳۰	۰/۰۰	۰/۷۴	۱/۳۲
۲	وزارت جهاد کشاورزی	۱/۴۸۳	۳۰	۰/۱۶۱	-۰/۰۸	۰/۴۷
۳	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۲/۴۰۲	۳۰	۰/۰۲۳	۰/۰۵	۰/۰۶
۴	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۶/۰۵۰۲	۳۰	۰/۰۰	۰/۶۹	۱/۱۸
۵	نهاد ریاست جمهوری	۷/۶۶۰	۳۰	۰/۰۰	۰/۶۹	۱/۱۸
۶	سازمان برنامه و بودجه	۵/۵۶۳	۳۰	۰/۰۰	۰/۶۵	۱/۳۵
۷	جهاد دانشگاهی	۸/۷۴۲	۳۰	۰/۰۰	۰/۷۹	۱/۲۷
۸	سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور	۴۳/۱۵	۳۰	۰/۰۰	۱/۸۴	۲/۰۳
۹	وزارت آموزش و پرورش	۸/۰۷۷	۳۰	۰/۰۰	۰/۹۲	۱/۵۴

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با میانگین ۶/۹۴، وزارت صنعت، معدن و تجارت با میانگین ۵/۲۱، نهاد ریاست جمهوری با میانگین ۵/۳۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با میانگین ۶/۰۳، سازمان برنامه و بودجه با میانگین ۶/۰۰؛ جهاد دانشگاهی با میانگین ۶/۰۳، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با میانگین ۶/۰۰ و وزارت آموزش و پرورش با میانگین۶/۲۹ و کران بالا و پایین مثبت، در مجموعه نهادهای موثر در خط‌مشی‌گذاری دوره‌های آموزشی مهارتی از نظر خبرگان قرار می‌گیرند و نهادهای دیگر در اولویت قرار ندارند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

جدول ۴- اولویت نهادهای سیاست‌گذار دوره‌های آموزشی مهارتی

اولویت	نهـــــــاد
اول	سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
دوم	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ جهاد دانشگاهی
سوم	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
چهارم	سازمان برنامه و بودجه ـ وزارت جهاد کشاورزی
پنجم	نهاد ریاست جمهوری
ششم	وزارت آموزش و پرورش
هفتم	وزارت صنعت، معدن و تجارت

در حال حاضر، دستگاه‌ها و نهادهای متعددی در تدوین خط‌مشی دوره‌های آموزشی- مهارتی دخالت دارند. این تنوع و تعدد نهادها به همپوشانی‌ها، دوباره‌کاری‌ها و نابسامانی در سیاست‌گذاری دوره‌ها منجر شده است و از سوی دیگر، مانع ارتباط درست و اصولی آنها با هم در قالب ساختار آموزشی -مهارتی و مرتبط با عناصر به‌ویژه متناسب با نیازهای سازمان‌ها شده است. اطلاعات فعلی سازمان‌ها، عنصری ضعیف در نظام خط‌مشی‌گذاری فعلی است و برنامه‌ریزی و ارزیابی برای تدوین سیاست‌ها و مدیریت آموزشی- مهارتی که به توسعه پایدار منجر شود، به‌ندرت مشاهده می‌شود. ظرفیت فنی و کارشناسی نهادهایی نظیر سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و موسسات آموزشی برای برنامه‌ریزی، ارزیابی و توسعه خط‌مشی‌ها و مدیریت آموزشی- مهارتی ضعیف و ناهماهنگ است و این ضعف در سطح موسسات عرضه‌کننده آن بیشتر مشاهده می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد که موثرترین نهادها در تدوین خط‌مشی دوره‌های آموزشی- مهارتی به ترتیب اولویت به شرح جدول ۴ هستند. این اولویت‌بندی، کمک شایانی به سیاست‌گذاران آموزشی- مهارتی کشور می‌نماید تا حیطه وظایف و سازمان‌های متولی، شناسایی و از انجام فعالیت‌های موازی پرهیز شود. در پایان، بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده و یافته‌های حاصل از آن، به منظور کمک به اجرای موفق و رضایت‌بخش‌تر سیاست‌گذاری، توصیه‌هایی ارائه می‌شود:

۱. خلق و ایجاد دکترین توسعه مهارت برای کشور و اجرایی‌شدن «قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای ومهارتی» که در محاق مانده است.

۲. ایجاد مرکزی مستقل برای پایش دوره‌های آموزشی مهارتی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

۳. مشارکت حداکثری ذی‌نفعان و بنگاه‌های اجتماعی.
۴. تولید و بازتولید قوانین فرودستی و فرادستی مرتبط با دوره‌های آموزشی- مهارتی.
۵. پیوند حداکثری بین دوره‌های آموزشی- مهارتی و نیاز واقعی سازمان‌ها.
۶. اهمیت حداکثری تدوین‌کنندگان خط‌مشی به هنگام تقنین سیاست‌ها به تمام عقلانیت‌ها.
۷. توجه سیاست‌سازان از نظریه‌های موجود و پژوهش‌های کارشناسان در حوزه‌های مربوطه.
۸. توجه به نقش افراد متخصص، تجربه‌های مشابه و بازخوردهای اجتماعی قوانین اعم از جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نیز توجه کنند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

منابع

-ابطحی، سید حسین (۱۳۷۹)، «ارزشیابی برنامه آموزشی»، مجموعه مقالات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی کشور، سال چهارم، شماره ۹، صص ۲۴-۲۳.
-ابطحی، سیدحسین(۱۳۶۶)، «مفهوم، خواص و مشکلات آموزش کارکنان»، مدیریت دولتی، شماره اول، پاییز، ۵۶-۵۱.
-احمدپور، محمدحسن (۱۳۸۱)، «آموزش‌های مهارتی منابع انسانی، کلید توسعه منابع بیمارستانی در تمامی ابعاد»، مجموعه مقالات همایش کشوری مدیریت منابع در بیمارستان۱۹-۱۸ دی ماه، کد مقاله پ/۵۷، صفحه ۶۸.
-اشتریان، کیومرث (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: نشر میزان.
_امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، «سیاست‌های کلی نظام در پرتو حاکمیت قانون و جمهوریت»، مجله راهبرد، ش ۲۶، صفحه ۷۵.
_پرند، کوروش (۱۳۹۱)، نگاهی بر نظام آموزش مهارت و فناوری، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، تهران: نشر حرفه و فن.
-تایلر، رالف (۱۳۶۹)، اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ترجمه تقی‌پور ظهیر، تهران: انتشارات آگاه.
_تقی‌پور ظهیر، علی(۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، تهران: انتشارات آگاه.
_ثابت، حمیدرضا، حاتم‌زاده، علیرضا، فلاح وحدتی‌جو، مجید و محمدهاشمی، زهرا (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای آلمان و ایران، پروژه تحقیقاتی مشترک سازمان فنی و حرفه‌ای کل کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
_رادین‌مهر، نسرین (۱۳۹۲)، تحلیل مفهومی سیاست، قانون، مقرره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر محمد راسخ، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
_زرگرپور، حمید (۱۳۹۱)، « نقش فرهنگ در آموزش مدیریت با تاکید بر مدل فرهنگی هافستد»؛ فصلنامه مصباح؛ سال نهم، شماره ۳۳، صفحه ۴۵-۴۸
_سپهری، محمدرضا (۱۳۹۳)، «توسعه آموزش‌های مهارتی کسب و کار و کارآفرینی در جهت الگوی توسعه اقتصادی نوین»، نشریه کار و جامعه، شماره ۸۵ ، صفحه ۳۶.
سلیمانی، منصور (۱۳۹۰)، «رویکردی نو در آموزش مهارت‌های اجتماعی»؛ فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۱۴ شماره ۴، صفحه ۲۵.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

_سلیمی، جمال (۱۳۹۱)، آموزش فنی و حرفه‌ای در قرن ۲۱، سیاست‌های یونسکو در خصوص آموزش فنی و حرفه‌ای در عصراطلاعات، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، سال ششم، شماره ۱۷، صفحه ۶۵

_شبلی، خالد(۱۳۷۶)، «تعیین نیازهای آموزشی مدیران و کارکنان در سازمان‌های پویا»، مجله تدبیر شماره ۷۹، صفحه ۷۷

_عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۶)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی

_عباس‌زادگان، سیدمحمد، ترک‌زاده، جعفر (۱۳۷۹)، نیازسنجی آموزشی در سازمان‌ها، شرکت سهامی انتشار

_عباسی اسفجیر، علی اصغر (۱۳۹۰)، نیازسنجی توسعه آموزش‌های فنی و مهارتی مجازی در آموزش و پرورش استان مازندران

_عباسی اسفجیر، علی اصغر؛ رضایی قلعه، هما (۱۳۸۹)، طرح پژوهشی با عنوان «نیازسنجی توسعه آموزش‌های فنی و مهارتی مجازی»

_عطارنیا، احمد (۱۳۹۳)، «بررسی وضعیت تدوین خط‌مشی در نظام غیررسمی آموزش مهارتی ایران»؛ مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، (علمی، پژوهشی- فناوری آموزش)، سال ششم، جلد ۶، شماره ۱، صفحه ۳۷۴-۳۴۵

-عضدانلو، حمید(۱۳۸۹)، سیاست و بنیان های فلسفی اندیشه سیاسی، تهران: نشر نی.

_ فتحی واجارگاه، کوروش(۱۳۸۳)، برنامه‌ریزی آموزش ضمن خدمت کارکنان، تهران: سمت.

_فرخی، داود(۱۳۹۲)، «آینده‌پژوهی در توسعه آموزش های مهارت‌بنیان تقاضا محور»؛ فصلنامه آموزش فنی و حرفه ای و اشتغال در فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال اول، شماره سوم، صفحه ۲۱-۲۳

_فقیهی، ابوالحسن و ذاکری، محمد (۱۳۹۳)، «جانشین‌پروری استقرار جانشین، پروری مدیران در سازمان‌های دولتی»، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی و مدیریت، ش ۱۵، دوره پنجم، زمستان، صفحه ۱۵-۲۴.

_قلی پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری و خط‌مشی عمومی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.

_کریمی مونقی، حسین (۱۳۸۲)، «تاثیر آموزش ویدیویی و نمایش بر میزان یادگیری مهارت عملی دانشجویان»؛ مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، پاییز، شماره ۱۲، ۸۲-۸۰

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

_کمالی، یحیی(۱۳۹۳)، «بررسی نقش تمرکززدایی در تحقق سلامت اداری»، فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان، شماره ۵، صفحه ۱۳۲-۱۲۲ .
_مرادخانی، فردین (۱۳۹۰)، «مباحثی پیرامون مفهوم، جایگاه و اجرای سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر آن»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۲۷، ۱۲۹-۱۲۷.
_ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، مبانی اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات سمت.
_مورن، مایکل، مارتین، استفان، کودین، روبرت (۱۳۹۳)، دانشنامه سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه علی مصفا، تهران: انتشارات سمت.
_مولر، پیر(۱۳۸۲)، سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: انتشارات دادگستر.
_نفیسی، عبدالحسین (۱۳۸۲)، آموزش های فنی و حرفه ای در قرن بیست و یکم، منتخبی از اسناد دومین کنگره جهانی آموزش فنی و حرفه ای، نشر پژوهشکده تعلیم و تربیت.
_الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۶)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چاپ دوازدهم، تهران: سمت.
_الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح(۱۳۹۰)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
_هداوند، سعید(۱۳۹۰)، «بررسی مهارت های مورد نیاز مهندسان در برنامه های آموزش مهندسی با استفاده از مدل مهارتی کاتز»، نشریه علمی، پژوهشی فناوری آموزش، سال ششم، جلد ۶، شماره ۱، صفحه ۱۶-۹

پایگاه‌های اینترنتی

– پایگاه خبری تابناک، ۱۳۹۴، «جدال نوبخت و توکلی بر سر برنامه ششم» (به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰) قابل دسترس در:
http: //www. tabnak. ir/fa/news/563802/
– پایگاه خبری فرارو، ۱۳۸۷، «آیا گشت ارشاد از خیابان‌ها می‌رود؟ » (به تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۷) قابل دسترس در:
http: //fararu. com/fa/news/19668
– تارنمای دیده‌بان سیاست‌گذاری ایران، ۱۳۹۴، «انواع خط‌مشی عمومی به قلم امیرحسام بهروز» (به تاریخ ۲۳ /۱۳۹۸/۲)

- A. Heywood,Politics,2nd ed,Palgarave Foundation,Great Britian,2002,p.4

- Aggarwal, Ashwani; Gasskov, Vladimir (۲۰۱۳). . Comparative Analysis of National Skills Development Policies: : A guide

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

- Boateng, Christina (۲۰۱۲). . “Restructuring Vocational and Technical Education in Ghana: : The Role of Leadership

- Dash Prasanna Kumar,(۲۰۰۲), Youth in India, Education and Training of Rural Youth, APO

- E. . preston & J. . E. . Post, private management and public policy the pricnciple of Public respon sibility, N. . J. . Prentice Hll,1975

- Geurts, Thei (2011). . Public Policy making the 21st Century Perspective. . pp.. 1-60. . Available at www.. beinformed.. com

- Maclean, Rupert; Jagannathan, Shanti; Sarvi, Jouko (۲۰۱۲). . Skills Development for Inclusive and Sustainable Growth in

- Nuffic (۲۰۱۰). . “NICHE strategy on Technical and Vocational Education and Training“. . Netherlands Organization for

- Shashank Kumar Srivastava ,(۲۰۱۰),Shaping Organization with e-HRM, International Journal of Innovation, Management

- Terminology of European education and training policy: : A selection of ۱۰۰ key terms (۲۰۰۸) Available at

- UNDP(۲۰۰۱), Human development Report ۲۰۰۱: : Making New Technologies Work for Human Development..

- UNESCO-UNEVOC presses on with Shanghai Recommendation (۲۰۱۳), Third International Congress on Technical and

- UNEVOC & UNESCO (۲۰۰۶). . Participation in Formal Technical and Vocational Education and Training Programs

- VO C.. H.. ,(۱۹۹۷), What Do People Think of Us? Techniques ۷۲, No. . ۶(September)..

- World Bank,(۲۰۰۱), David and Others, From Natural Resource to the Knowledge Economy, Washington D.. C..

- Yong Jin,(۱۹۹۸), General or Vocational? The Tough Choice in the Chinese Education Policy, International of Education

-Abayomi Olumade, Sofoluwe (۲۰۱۳). . “Re-engineering vocational and technical education (VTE) for sustainable and Technology, Vol. . ۱, No. . ۱

-D. . Held & A. . leftwich, A Discipine of politics in: : what is politics, (oxford Basil Blackwell, 1994)

-Developing Asia-Pacific. . New York & London: : Springer Dordrecht Heidelberg

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]

development in North Central Geo-Political Zone, Nigeria". . Educational Research and Reviews, ۸(۱۹), pp.. ۱۸۴۲-۱۸۴۹..

-Development" International Journal of Humanities & Social Science, ۲ (Issue۴), ۱۰۸-۱۱۴..

education-and-training-tvet.. pdf. . for policy makers. . Africa - Pretoria: : ILO..

-Ernest Barker,ed. and Trans. The Politics of Aristotle (New York: Oxford University Press,1982),p. 1

-H. . Hosmer, Hilary, A Position Paper Presented at the ACM SIGSAC Special Workshop on, Data -Management Security and Privacy Standards,San Antonio, Texas December 3, 1991, published in the ACM SIGSAC Review, 1992

-International Cooperation in Higher Education, https:: //www.. nuffic.. nl/en/library/niche-strategy-on-technical-andvocational-

-Mulford Q. Sibley,Political Ideas and Ideologies: A History of Political Thought,New York: Harper & Row,1970,p. 1

-Peter H. Merkl,Political Centinuity and Change (New York: Harper and Row,1967),p. 13

-Quincy Wright,The Study of International Relations (New York: Appleton-Century-Croft,1955),p. 130

-See David Easton,"An Approach to the Analysis of Political System",World Politics,9,1957,pp. 383-400;A Framework for Political Analysis (Englewood Cliffs,N. J: PrenticeHall,1965),p. 47 ff: and The Political System: An Inquiry into the State of Political Science. 2nd ed (New York: Alfred A. Knopf,1971),p. 129 ff)

-Vernon Van Dyke,Political Science: A Philosophical Analysis (Stanford. Cal: Stanford University Press,1960,p. 134).

-Vocational Education and Training, Shanghai, ۱۴-۱۶ May ۲۰۱۲..

-Worldwide. . An Initial Statistical Study. . Available at: : www.. cedefop.. europa.. eu..

-Y. . Dror, Public Policymaking Reexamined, San Francisco, chandler 1968

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.225]